

زنده باد جنبش لغو کار مزدی کارگران

فشار سهمگین استثمار، درندگی و انسان ستیزی سرمایه داری کل حیات اجتماعی انسان عصر را در آستانه انفجاری عظیم قرار داده است. محصول کار مداوم توده های وسیع فروشنده نیروی کار، در سرتاسر جهان، در طول نسلهای متوالی و در تمامی سده های اخیر تاریخ به سرمایه و باز هم سرمایه تبدیل شده است. دنیای موجود زیر فشار تراکم انبوه سرمایه سخت دم کرده است. محصول اجتماعی سالانه ای که کارگران دنیا با کار خویش بطور زنده و حاضر تولید میکنند سر به آسمان میسایند. متوسط سهم سرانه این محصول مطابق آمارهای رسمی مراکز بین المللی سرمایه داری برای سکنه ۵۲ کشور جهان از رقم ۱۵۰ ۰۰۰ کرون سوئد در سال بالاتر است. ترجمه ساده و زمینی این آمار بیانگر آنست که کارگران دنیا همین حالا و در همین وضعیت موجود با کار خویش سطح معینی از رفاه و معیشت و امکانات اجتماعی معادل با ۶۰۰ ۰۰۰ کرون سوئد در هر سال را، برای هر خانوار ۴ نفری این دنیا تولید می کنند. برای اینکه مکان واقعی این حجم غول آسای محصول کار در زندگی انسانها را بصورت ملموس تر مجسم کنیم، در نظر بیآوریم که در بالاترین سطح رفاه اجتماعی موجود، در جامعه ای مانند سوئد کل هزینه سالانه بهداشت، دارو و درمان، آموزش و پرورش، خورد و خوراک و پوشاک، مسکن و تفریح و همه چیز برای یک خانواده ۴ نفری مبلغی حدود ۳۵۰ ۰۰۰ کرون است.

به این ترتیب کارگران دنیا دیرگاهی است که با کار و تولید روزمره خویش کلیه شرائط و امکانات لازم برای برخورداری کل سکنه روی زمین از یک زندگی مرفه و شرافتمندانه با بیشترین امکانات معیشتی و آموزشی و بهداشتی و رفاه انسانی را بوجود آورده و هر روز بازتولید می کنند. با این وجود دنیای حاضر ما در همه جا از گرسنگی، فقر، تن فروشی برای امرار معاش، بی آبی، بی غذایی، بی مسکنی، بی بهداشتی، بی آموزشی و همه مصائب و بلایای دیگر اجتماعی و انسانی سخت مالا مال است.

از آغاز دهه ۹۰ تا امروز میزان انباشت و پیش ریز مستقیم سرمایه در سطح بین المللی ۲۲۳ درصد و در امریکای لاتین بیش از ۶۰۰ درصد رشد داشته است اما در طی همین دوره معین تاریخی شمار افراد تهیدست و گرسنه ممالک حوزه کارائیب و کشورهای امریکای لاتین از ۱۸۳ میلیون به ۲۳۰ میلیون نفر افزایش یافته است. نسبت مبتلایان به شدیدترین درجه فقر از ۴۰٪ به ۵۰٪ رسیده است. در کنار این رشد غول آسای انباشت سرمایه ۲ میلیارد انسان از نازل ترین سطح بهداشت عمومی و دارو و دکتر، از داشتن آب آشامیدنی سالم، از حداقل امکانات تحصیلی و از همه چیز دیگر محروم مانده اند. در طول همین مدت شمار تختهای بیمارستانی در مدینه رفاه دنیای کاپیتالیستی!!!، در سوئد به نصف سابق کاهش یافته و در طول هر یکسال ۲۰ مدرسه کلاس اول تا نهم با صدها کلاس درس بکلی و برای همیشه بسته شده است.

توسعه بی امان گرسنگی و فقر، وسعت بیکران دامنه فحشاء، برچیدن مدارس و بیمارستانها، کثرت ثانیه به ثانیه شمار کودکان خیابانی در سرتاسر دنیا، گسترش بی هیچ مرز و مانع اجبار کودکان خردسال به کار بردگی، افزایش روزمره دهها میلیونی شمار بیکاران در دنیا و فراوان پدیده های دیگر از این قبیل به هیچوجه تمامی ابعاد

تهاجم توحش بار سرمایه داری به حیات بشر معاصر را تصویر نمی کند. در طول همین فاصله تاریخی شنیع ترین، سبعانه ترین و ضدبشری ترین جنگها از سوی نظام کاپیتالیستی و قداره بندان یکه تاز این نظام بر توده وسیع کارگران قاره ها تحمیل شده است. طبقه کارگر ممالکی مانند فلسطین، عراق، منطقه بالکان، افغانستان و جاهای دیگر زیر فشار مصائب همه نوعی این جنگها بشدت از هستی ساقط شده اند. از نفس وقوع جنگها که بگذریم، در فاصله تاریخی یاد شده هزینه های سالانه ساز و برگ نظامی دولتهای جهان سرمایه داری بالغ بر ۹۰۰ میلیارد دلار بوده است. رقمی که با کل درآمد بیش از ۵۱٪ کل سکنه کره زمین برابری می کند.

در چنین دنیا و در زیر سلطه چنین نظام انسان ستیز سراسر جنایت و توحش چه باید کرد؟ این سؤال در مقابل هر کارگری در هر گوشه ای از این جهان قرار دارد. این یک پرسش حیاتی و بسیار جدی مربوط به اصل زندگی و زنده ماندن همین نسل کنونی و مهمتر از آن نسل نوپای کارگران سراسر دنیاست. این پرسشی در مقابل کل بشریت شرافتمند و خطاب به تمامی انسانهای آزاده کره زمین است.

آیا کارگر آسیائی، امریکای لاتینی، افریقائی و کارگران عظیم ترین بخش دنیا باید تمامی بار عظیم فقر، گرسنگی، ذلت، بیخانمانی، ستمکشی و سیه روزی سرمایه داری را در زیر نام زندگی بر دوش بکشند؟ مگر این کار به راستی ممکن است؟!؟

آیا کارگر اروپائی و امریکائی باید چگونگی ابتلاء به سرنوشت امروزین همزنجیران خویش در قاره های دیگر را به انتظار بنشیند؟ آیا همه چیز گواه آن نیست که با بقای سرمایه داری تحمل چنین سرنوشت مشابهی برای همه کارگران دنیا اجتناب ناپذیر خواهد بود؟

آیا باید کماکان به دموکراسی و «انتخابات آزاد»!!! موجود یا برای برقراری این دموکراسی در سرزمین قدرت دیکتاتوریها دل بست؟! مگر شتاب مرگبار بیکاری، فحشاء، تنزل مدام معیشت، نابودی مدارس و بیمارستانها و دوا و درمان یا مرگ و میر مستمر همه امکانات تاکنونی در پهندهشت حاکمیت همین دموکراسی و آزادیها بوقوع نپیوسته و نمی پیوندد؟ مگر با عزل و نصب کسانی که نقطه آغاز تا پایان رسالتشان اعمال بربریت و توحش سرمایه داری بر توده های کارگر دنیاست مشکلی از کارگران قابل حل است؟!؟

آیا باید تمامی بار اعتراض، مبارزه و خیزشهای گسترده اجتماعی را مصروف جایگزینی این دولت با آن دولت ساخت؟ اینکار را در چه مقیاس و در طول زندگی چند نسل از طبقه کارگر جهانی تکرار کنیم؟ تا کی باید تمامی قدرت پیکار و ظرفیت مبارزه طبقاتی خویش را وثیقه تسویه حسابهای درونی طبقه بورژوازی سازیم.

آیا باز هم باید راه رهایی از تبعیضات مرگبار جنسی و قومی و نژادی ناشی از موجودیت نظام سرمایه داری را در توسل به قانونیت و نظم و مدنیت و دائرة اعجاز حقوق پردازی سرمایه دنبال کرد؟!؟ وقتی تجارت سکس، کار بردگی کودکان و تن فروشی زنان از پرسودترین حوزه های انباشت سرمایه است کوبیدن بر اصلاحات مجاز نظام بردگی مزدی بعنوان راه رفع این جنایات، توحشها و تبعیضات جز خودفریبی، مردم فریبی و گره زدن به باد معنای دیگری دارد؟!؟

آیا باید به اتحادیه های کارگری و سازمانهای موجود کارگر نمای سرمایه سالار همچنان آویخت و از این معابد کهنه سرتاسر فریب بی اعجاز انتظار شفا داشت؟ مگر نه این است که امضاء سران تمامی این اتحادیه ها همه جا در کنار امضاء سرمایه داران و دولتهای سرمایه داری بر عهدنامه تضمین سقوط ما از هستی در قبال رشد

فزونتر و باز هم فزونتر سود سرمایه ها مهور است؟

آیا باید به فرقه های سیاسی دموکراسی خواه چپ نما و ساز و برگ دروغین داعیه های کارگری آنها دل داد و به شعارهای سرنگون باد و برقرار باد آنها دل خوش کرد؟ مگر تاریخ جنبش طبقاتی ما در دنیا به اندازه کافی از تجارب تلخ آویزان شدن کارگران به این سکتها مالا مال نیست؟

اولین پاسخ درست به سؤال چه باید کرد؟ این است که هیچکدام از کارهای بالا را نباید کرد. آزموده را آزمودن خطاست و تکرار اشتباه بویژه زمانی که به کرات رخ دهد چیزی سواى بازی کمیک، کمیک و باز هم کمیک تر ترازدیها نیست.

آیا همه راهها بسته است؟ پاسخ آری به این سؤال پاسخ همیشگی بدترین دشمنان طبقاتی ماست. جواب این پرسش صد در صد منفی است. آنچه واقعاً بسته، برای همیشه بسته، سخت گمراه کننده، فرساینده و نیروفراست فقط بی راهه های دروغین توهم زای یاد شده است. اینها مجاری چرخش سرگردان آدمی در سرزمین گند و خون و شرارت بردگی مزدی و غلطیدن از این حمام خون سرمایه به حمام خون دیگر است. این راهها بسته است و بورژوازی خود با دست خود برای همیشه آنها را ساروج کرده است. اما بزرگ راه رهائی بشریت از منجلاب تمامی این سیاه روزیها بسیار باز، از همه دوره های دیگر تاریخ بازتر، از همه دوره ها پر ظرفیت تر و مهیاتر برای گسیل، تهاجم و صف آرائی عظیم ترین نیروها، نیروهائی به شمار تمامی کارگران دنیا و کل بشریت استثمار شونده و ستمکش جهان موجود است.

پاسخ کارگران آگاه جهان به سؤال بالا پاسخی بسیار شفاف است. بسیج، تقویت و سازمان دادن جنبش لغو کار مزدی توده های کارگر در درون هر جامعه و در سرتاسر جهان، تنها راه ستیز با هر جزء از این مظالم و بیحقوقیها و همزمان بزرگراه واقعی رهائی فرجامین بشر از بنیاد موجودیت این نظام ضد انسانی است. پاسخ این است که باید جنبش ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی را در همه جا، در تمامی مراکز کار و تولید، در کلیه قلمروهای زیست اجتماعی انسانها، در سرتاسر جهان هر چه نیرومندتر و پرخروش تر سازمان داد.

تمامی دولتهای سرمایه داری دنیا، کل اپوزیسیونهای بورژوائی درون و بیرون ساختار قدرت سیاسی سرمایه، همه مدافعان موجودیت نظام بردگی مزدی، تمامی اتحادیه های کارگری سرمایه سالار، شمار کثیر فعالین اتحادیه گرای درون جنبش کارگری دنیا، تمامی سکتهای حزبی زیر نام و عنوان دروغین کارگر و کمونیسم همه با هم عملاً و در متن پروسه حیات پراتیک خود ظرفیت توده های کارگر جهان برای سازمان دادن این جنبش را نفی و انکار می کنند!!! دولتها هر رد پای این جنبش و هر نام و نشان و گفتگوئی از آن را به گلوله می بندند. اندیشمندان، ایدئولوگها و نمایندگان فکری و فرهنگی بورژوازی هر جنب و جوش این جنبش را زیر شلیک زرادخانه های عظیم خرافه بافی و مهندسی مسخ بورژوائی افکار می گیرند. سران اتحادیه های کارگری دنیا بسیار کاتولیک تر از پاپ و پر تحرک تر از دولتهای بورژوازی برای خفه کردن نطفه های این جنبش نیرو بسیج می کنند. فعالین سندیکالیست درون جنبش کارگری به کارگران می گویند که هر گونه سخن از جنبش لغو کار مزدی اتوپی بافی و دعانویسی است. فرقه گرایان متحزب از همه سو فریاد واحزبا، واحزبا سر می دهند و در کار شعله ور نمودن جبهه خصومت با جنبش لغو کار مزدی توده های کارگر به دنبال جا و مکان می گردند.

اما جنبش ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی کارگران جنبشی واقعی، از همه جنبشها واقعی تر، برحق تر، برای

کارگران آشناتر و ملموس تر، آینده دارتر، زمینی تر و با وسیعترین پایه های مادی نظج و تکوین و توسعه در اندرون زندگی و کار و حیات اجتماعی توده های وسیع فروشنده نیروی کار دنیاست. این جنبش تنها جنبشی است که از هر نوع رمزآمیزی، اتویی بافی و انگاره پردازی بر حذر است، آنان که جز این می گویند و جز این تصور می کنند یا دشمنان دانا یا دوستان نادانند. ببینیم این جنبش چگونه جنبشی است؟ حرفهایش چیست؟ افق پیکار پیش رویش کدام است، اشکال ابراز وجود و اعمال واقعی قدرتش چیست؟ موانع اساسی سر راهش کدام است؟ چگونه سازمان می یابد؟ چگونه نیرو میگیرد؟ و در کجا و در چه شرائطی به پیروزی میرسد؟

جنبش لغو کار مزدی جنبش توده های کارگر دنیا علیه استثمار و ستم و بیحقوقی سرمایه داری در تمامی قلمروهای حیات اجتماعی است. این جنبش ریشه تمامی سیه روزیهای موجود را در موجودیت نظام سرمایه داری می بیند. این صادقانه ترین، علمی ترین، شفاف ترین و بی چون و چرا ترین حقیقت این دنیاست. گرسنگی انسانها حاصل بیکاری یا دستمزد اندک آنهاست. پس گرسنگی بشر تابعی از صوابدیدهای سودآوری سرمایه است. مردم دنیا مسکن و سرپناه و آب آشامیدنی و برق و وسائل زندگی ندارند زیرا بیکاری یا بهای نازل فروش نیروی کارشان کفاف داشتن این امکانات را نمی دهد، این محرومیتها، سیه روزیها و حقارتها جنایت سرمایه علیه بشریت است. هر روز بخش عظیمی از سکنه کره زمین زیر فشار بی بهداشتی، بی دارویی، نداشتن دکترو دارو و درمان به فجیع ترین و تکان دهنده ترین شکلی می میمیرند، تنها به این دلیل که کل امکانات دارو و درمان و زندگی آنها به سود بیشتر سرمایه ها بدل میگردد، سه قاره آسیا، افریقا و امریکای لاتین از کودکان خیابانی یا کودکان خردسال کارگر انباشته است زیرا که پدران و مادران کارگر آنها زیر فشار استثمار سرمایه بضاعت سرپرستی و تأمین معاش آنها را ندارند. بخشی عظیمی از زنان دنیا برای معاش خود و فرزندانشان تن فروشی می کنند زیرا که سرمایه این جمعیت انبوه انسانها را فقط بعنوان کارگران سکس بکار میخواهد. مردسالاری و تبعیضات جنسی و قومی و تعصبات کثیف ناموسی لحظه به لحظه فاجعه سازتر می شود زیرا که بقای همه این پدیده های شوم با پرورده بازتولید شیوه تولید و مدنیت و ساختار حقوقی سرمایه کاملاً همساز است.

این تبیین جنبش لغو کار مزدی از ریشه معضلات بشر در بطن عینیت موجود جهان است و این درست ترین و تنها سخن صادقانه دنیا در این زمینه معین است. آنان که دنیائی آسمان و ریسمان می بافند تا ریشه بخش بزرگی از سیه روزیهای انسانها را از زمین سرمایه بر کنند و به جای دیگر منتقل کنند شیادند. این کذب محض است که گویا مردسالاری و تبعیضات جنسی و قومی و کار کودک یا هر جنایت دیگر میراث ناخواسته نظام سرمایه داری از نظامهای پیشین است!!!

جنبش لغو کار مزدی می گوید همین لحظه حاضر همه مایحتاج معیشتی و رفاهی و امکانات اجتماعی لازم برای کل انسانها به اندازه کافی موجود است. همین امروز می توان فقر و تنگدستی و بی بهداشتی و بی آموزشی و همه محرومیتهای موجود بشر را به بایگانی تاریخ سپرد. این حرف راست ترین حرفهاست در همین چند سطر بالاتر صحت آن را از درون آمار و ارقام مراکز خود نظام سرمایه داری نشان دادیم. در نظام کاپیتالیستی تمامی محصول کار میلیاردها کارگر دنیا به جای اختصاص به آسایش و رفاه و بهداشت و آموزش و تفریح و رشد انسانها به سرمایه، سرمایه و باز هم سرمایه تبدیل می گردد. سرمایه داری در جستجوی سود و سود و سود، بخش عظیم و غالب قلمرو کار یا تولیداتش را به فراورده های تخصیص می دهد که نه فقط هیچ

ربطی به مایحتاج زیستی و رفاهی و بهداشتی و رشد فکری بشر ندارد که دقیقاً بر باد دهنده و نابود کننده مطلق العنان همه آنهاست. اگر دنیا از فقر مالا مال است، اگر مدارس برجیده می شوند، اگر بیمارستانها تعطیل می گردند، اگر انسانها آب آشامیدنی ندارند هیچ ربطی به کمبود کار و تولید در دنیا ندارد. همه چیز موجود است.

جنبش لغو کار مزدی بر همین اساس و بر مبنای همین حقیقت مسلم و محرز قبل از هر چیز و مقدم بر هر کار خواستار تضمین قطعی و حتمی یک سطح معین از معیشت و رفاه اجتماعی و انسانی متناسب با سهم سرانه انسانها از کل محصول کار و تولید اجتماعی موجود، همراه با بهداشت و آموزش و دارو و درمان رایگان، مهدکودک رایگان، مسکن و آب و برق رایگان، ایاب و ذهاب رایگان، و نگهداری از پیران و سالخوردهگان بطور کاملاً رایگان برای تمامی شهروندان هر کشور و برای کل ساکنان کره زمین از شاغل و بیکار و زن و مرد و پیر و جوان، همه و همه است.

این اولین بند مانیفست جنبش لغو کار مزدی است. این جنبش با طرح چنین منشور حقوق پایه ای برای همه انسانها، محور اساسی تمرکز قوای خود در جنگ طبقاتی علیه سرمایه داری را خط و نشان می کشد. جبهه واقعی جنگ اینجاست. تعیین سرنوشت محصول کار میدان واقعی و اساسی پیکار طبقه ما علیه نظام بردگی مزدی است. ریشه حیات سرمایه در استثمار ما، در تصاحب کار اضافی ما و در تبدیل محصول کار و تولید ما به سرمایه نهفته است. کانون ثقل تعرض ما علیه سرمایه نیز همین جا خواهد بود. آحاد توده های طبقه ما همراه با کل بشریت حاضر در هر کشور و در تمامی گیتی مستقل از اینکه کجا زندگی می کنند، مستقل از اینکه کار می کنند یا نمی کنند، زنند یا مردند، کودک یا جوان و پیرند، سالم یا بیمارند، مستقل از تمامی اینها باید معادل سهم سرانه خود از محصول کار و تولید اجتماعی موجود جهان، از بهترین غذا و مسکن و پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، تفریح و سایر امکانات رفاهی برخوردار باشند. فراورده های کار و تولید طبقه ما نباید و مطلقاً نباید به سرمایه تبدیل گردد، باید در راستای تأمین مایحتاج زیستی و رشد آزادانه همه آحاد بشر برنامه ریزی شود.

نقطه ورود به جبهه واقعی جنگ ما اینجاست. در همین نقطه است که ما کار تمرکز قوای پیکار خویش را آغاز می کنیم. جنگ، جنگ تعیین سرنوشت محصول کار و تولید، جلوگیری از سرمایه شدن این محصول و مبارزه برای برنامه ریزی آن در پاسخ به احتیاجات واقعی بشر است. از همین جاست که ما در مقابل کل نظام کاپیتالیستی، کل بیحقیوها و مظالم سیاسی و مدنی این نظام، در مقابل دولت و نظم سیاسی و ابزار اعمال قهر ارتجاعی اش و در برابر کل عینیت موجود دست به صف آرائی نیرومند پیکار می زنیم.

اما تا همین جا و به محض طرح این مطالبات و کیفرخواست، کلیه گروههای پیش گفته، با تمامی ظرفیت ستیز، عوامفریبی و ریاکاری در مقابل ما و در مقابل جنبش لغو کار مزدی صف خواهند کشید. دولتها بلادرنگ اعلام جنگ خواهند داد و برای تمامی نیروهای نظامی و پلیسی و دستگاه قهر ارتجاعی دستور آماده باش و سرکوب صادر خواهند کرد. سران اتحادیه های کارگری به سرعت باد برای همداستانی با سرمایه داران علیه جنبش ما در جست و خیز خواهند شد. فعالین سندیکالیست درون جنبش طبقه ما از همه سو فریاد «دعائوسان را بگیرید» و «قرمطیان را بر دار کنید» سر خواهند داد. سرنشینان منزوی سکنهای حزبی همه

صفحات و تار و پود روزی نامه هایشان را به تکفیر چپ رویهای ما اختصاص خواهند داد. سندیکالیست‌ها شیون خواهند کرد که کارگران نان ندارند حالا چه وقت جنگیدن با سرمایه داری است؟! مهر و موم شدگان سکت‌های حزبی و گروهی از همه سو بلوا راه خواهند انداخت که پس سرنگونی دیکتاتوری و گرفتن دموکراسی چی خواهد شد؟! مگر بدون تسویه حساب با دیکتاتوری و استقرار دموکراسی میشود این کارها را کرد؟!

جنبش لغو کار مزدی در مقابل تمامی تهاجمات متحد و متفرق بالا با رساترین استدلالها، با منطقی به بلندای اورست، و با قدرتی به حجم قدرت تمامی انسانیت خواهد ایستاد. محتوای این مقاومت مشروح و آمیخته از اقدامات و راهبردها و توسل به راهکارهای گوناگون است. اول از همه اخطار به سرمایه و سرمایه داران و دولت آنها که: لطفاً خاموش باشید و صبر کنید و گوش فرا دهید! ما فقط بخش بسیار بسیار ناچیزی از سلسله جبال عظیم محصول کار و تولیدمان را مطالبه کرده ایم، این تازه فقط آغاز کار است. پس از آن خطاب به همه که ما تا کی باید از گرسنگی و فقر و فلاکت ناشی از استثمار کاپیتالیستی بمیریم؟ تا کی باید در کارزار مبتدل و چندان بار تعویض این دولت و آن دولت سرمایه داری میلیون میلیون قربانی شویم؟ تا کی باید زیر نام انقلاب!! تمامی قدرت پیکار توده های طبقه مان به گنداب این یآن بخش از یائسه گان پیر سرمایه سرشکن شود؟ تا کی باید سینه هایمان در جنگ و جدل بر سر سنار و سی شاهی دستمزد آماج رگبار واقع شود؟ اگر قرار است بمیریم چرا با افتخار و عزت و شرف والای کارگری نمیریم؟ چرا در میدان جنگ واقعی تعیین سرنوشت بر سر بود و نبود نظام کاپیتالیستی کشته نشویم؟ شما هر چه می توانید علیه جنبش ما از درون و بیرون تقلا و توطئه کنید، صفحات روزنامه ها یتان را سیاه سازید. اما این را بدانید که ما قدرتی عظیم در دست داریم، چرخ کار و تولید را در همه جا از کار خواهیم انداخت. دست به اعتصاب خواهیم زد. کل نظام سرمایه داری را فلج، پروسه بازتولید سرمایه را متوقف و شریانهای تولید سود را همه جا مسدود خواهیم ساخت. ما این کار خویش را تا حصول نتیجه و تحقق مطالبات خود ادامه خواهیم داد. سوم اینکه چرا عوامفریبی می کنید؟ چرا اینهمه ریاکاری، چرا معنی کارگر نان ندارد را این می دانید که کارگر نباید با سرمایه داری مبارزه کند؟! کارگر نان ندارد به این دلیل است که سرمایه دار نانش را سرمایه می کند، برای گرفتن نانش باید بر سر سرنوشت محصول کارش علیه سرمایه داری بجنگد. چهارم اینکه راه سرنگونی دولت بورژوازی از اینجا می گذرد، نه از شوره زارها و کویرهای خشک دموکراسی، این جنبش لغو کار مزدی است که باید دولت بورژوازی را سرنگون کند و سازمان شورائی کار و مدنیت کمونیستی را مستقر سازد، شما شیپور را از سرگشادش دمیده اید.

جبهه مقابل بطور متقن و مفروض به ما پوزخند خواهد زد. این بار صداها تا حدود زیادی متفاوت است. حرف دولتیان و دستگاههای سرکوب سرمایه را تکرار نمی کنیم. پیشکسوتان سندیکالیست بسیار طلبکار جیغ خواهند کشید که بدون داشتن سندیکاها و «تشکلهای مستقل از دولت» از عهده هیچ کاری بر نمی آئید، صفت نشینان سکت‌های حزبی فریاد خواهند کشید که بدون توسل به حزب ما و حزب شخصیت‌های ما کارتان زار و چراغ عمرتان بر دم باد است. جواب ما به آنها بسیار شفاف است. ما نیازی به اتحادیه و نسخه پیچی های سندیکالیستی یا حزبی نوع شما اصلاً نداریم. زیرا این نسخه ها علاج هیچ دردی نیست. تشکلهای مستقل شما ظرف انحلال جنبش ما در منویات و مصالح سودآوری سرمایه ها و به همین دلیل راه بدرقه تابوت طبقه ما در گورستان سرمایه است. سکت‌های حزبی و گروهی شما هم چیزی جز پارک بازی کودکان، خانقاه ورشکستگان جنبشهای

ناسیونالیستی، محل بازی نرد عشق با دموکراسی سرمایه، صومعه نذر و نیاز حضور در مراکز قدرت ماوراء زندگی و جنبش کارگران یا جانی برای ارضاء پاره ای تمایلات سرکوفت شده آدمها در دنیای سرمایه داری نیست. نه آن تشکل توده ای و نه این سازمان حزبی و نه هیچ نوع دار و دسته سازی مشابه اینها هیچ گرهی از مشکلات جنبش ما نمی گشاید. شمایان همگی خیالپرداز، خام و اتوپیک هستید، ما به تشکیلاتی بسیار آهنین بسیار پرمصلابت، نیرومند و با ظرفیت پیکاری سخت سترگ احتیاج داریم. این برای ما از قضایای ساده هندسی هم بسی بدیهی تر است.

ما می دانیم و کاملاً آگاهیم که برای تحمیل مطالباتمان بر بورژوازی به قدرت احتیاج داریم. ما بدون میدان کشیدن این قدرت در عظیم ترین حجم و میزان ممکن آن، قادر به تحقق خواسته های خویش و تحمیل آن بر دشمن نیستیم. قدرت ما در اتحاد ما و متشکل شدن ما نهفته است. اما متشکل شدن، اتحاد و سازمان یافتن ما باید سازمانیابی جنبش ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی طبقه ما باشد. ما باید متشکل شویم اما با ایجاد تشکلهای صنفی این کارخانه و آن کارخانه با فرض تمامی غیردولتی بودنشان، قادر به حصول هیچ سطحی از مطالبات خویش در هیچ کجا نمی باشیم. بخشهای مختلف توده های طبقه ما از طریق توسل به مبارزات پراکنده و اعتصاب در اینجا و آنجا نمی توانند نیروی واقعی و مؤثر و کارآمد طبقاتی شان را علیه سرمایه به میدان کشند. کارگر نساجی و چوب و کشاورزی و کارگران بسیاری از مراکز دیگر کار و تولید در جامعه ایران در دایره تنگ و بسته مبارزات کارگاهی هیچ تهدید مؤثری علیه بورژوازی نیستند. میلیونها کارگر بیکار در موقعیت ضعیف و متشتت و بی و سر و سامان جنبش طبقاتی ما می توانند بصورت ابزاری علیه مبارزات همزنجیرانشان بکار گرفته شوند. بیکاری گسترده جهانی، رقابت فرساینده و نابودگر میان فروشندگان نیروی کار در موقعیت دردناک موجود، فقدان هر گونه امنیت شغلی برای هر بخشی از توده های کارگر، تحرک مؤثر سازمان کار سرمایه برای جایگزینی سریع کارگران اعتصابی توسط بیکاران اعتصاب شکن، تدارک قابل توجه و وسیع سرمایه ها در پاره ای از بخشهای کم سودتر برای انتقال و پیش ریز در حوزه های پرسودتر و مؤلفه های دیگری از این قبیل همه و همه کفه توازن قوا در عرصه اعتصابات پراکنده کارگاهی و کارخانه ای را به زیان جنبش ما پائین آورده است و تازه هیچ فراموش نکنیم که کفه توازن قوای میان ما و سرمایه در قلمرو این نوع اعتصابات با هر درجه از اهمیت و عظمت و برد تأثیرشان، تاریخاً، همیشه و در تمامی دوره های گذشته نیز به زیان ما بگونه دهشتباری سبک بوده است.

ما برای تحمیل مطالبات خود بر دشمن، باید بیشترین و مؤثرترین نیروی پیکار طبقه خود را وارد میدان کنیم، برای این کار باید همه بخشهای طبقه ما در یک سازمان سراسری ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی متحد و متشکل شوند. ما باید تشکیلاتی بر پای داریم که از درون آن نیروی مبارزه کارگر نفت، کارگر ذوب آهن، کارگر برق و آب، کارگران تمامی قلمرو آموزش، کل مدارس کشور، کارگران بهداشت و درمان و تمامی جمعیت پرستار و بهیار، کارگران کشاورزی و شیلات و راه و ساختمان و بنادر، کارگران تولید اتوموبیل و وسائل خانگی و مواد غذایی، کل توده های وسیع بیکار جامعه، کارگران چوب و نساجی و تولید دارو و کارگران هر بخش از تولید و کار، همه و همه به هم گره شود. این تنها نوع تشکلی است که می تواند قدرت واحد و تعیین کننده طبقه ما را در هر جامعه و در سراسر جهان وارد میدان گسترده کارزار طبقاتی با سرمایه نماید.

توده های وسیع طبقه ما از درون چنین تشکیلات سراسری ضد سرمایه داری قادر خواهند شد که بسان بمبی نیرومند تمامی ساختار حیات و پروسه بازتولید سرمایه اجتماعی در هر کشور را یکجا از کار فرو اندازند. ما با ایجاد چنین تشکیلاتی و از طریق اتحاد سراسری در درون این تشکیلات به بورژوازی اعلان جنگ خواهیم داد. اعلام خواهیم کرد که باید منشور حقوق پایه ای ما در سریعترین زمان محقق گردد. ما برای اجبار بورژوازی به تمکین و پذیرش خواسته هایمان شیر نفت را خواهیم بست. همزمان تولید فولاد و اتوموبیل و مصالح ساختمانی و همه چیز را متوقف خواهیم ساخت. مدارس را تعطیل خواهیم نمود. کارخانه ها را در تاریکی مطلق فرو خواهیم برد. همه چیز را از کار خواهیم انداخت و همزمان و همراه با همه این کارها بدیل مشخص و حی و حاضر و زنده و ملموس طبقاتی خود برای جایگزینی سرمایه داری با سازمان شورائی کار و مدنیت کمونیستی را بعنوان هدف مبارزه و بعنوان آینده مفروض مبارزه طبقاتی مان به بورژوازی نشان خواهیم داد. ما متناسب با میزان نیرو و ظرفیت سترگ کارزار، بورژوازی را وادار به اطاعت و قبول خواسته هایمان خواهیم کرد.

تشکیلات ما یک تشکیلات شورائی و کانون دخالت خلاق، نافذ و مسقیم همه آحاد توده های طبقه مان در کار چگونگی پیشبرد مبارزه، تعیین خواسته ها، گزینش نوع راهکارها و نحوه راهبرد جنبش خواهد بود. در اینجا نه از پیشکسوتان قیمومت مدار و طلبکاران حق آب و گل خیری است و نه از چهره های تصنعی خودتراشیده اثری در میان است. تشکیلات شورائی سراسری ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی توده های طبقه ما، تشکیلاتی منزله از وجود بتکده ها، بتهای فرقه ای یا اتحادیه ای است. در اینجا آحاد کارگران در متن پیکار مستمر علیه سرمایه کلیه امور این پیکار را نیز متحد و رفیقانه و انسانی می اندیشند و با هم شور و مشورت می نمایند. ما به چنین تشکیلاتی نیاز داریم. تنها این نوع متشکل شدن است که می تواند نیروی عظیم و سرنوشت ساز قدرت طبقه ما در مقابل بورژوازی را وارد مصاف کند. تنها این شکل سازمانیابی در این جبهه مشخص و معین مبارزه طبقاتی است که به ما قدرت می بخشد تا دیو مهیب وحشت و دهشت و خودسری سرمایه را مجبور به قبول انتظارات و خواسته های طبقه خود کنیم.

با گفتن این حرفها و سخن گفتن از این جبهه پیکار و این نوع سازمانیابی، فریادهای اعتراض مخالفان جنبش ما سخت کوبنده تر و پر طنین تر خواهد شد. آنها متفقاً خواهند گفت که اینها همه حرف مفت است!!! سندیکالستها خواهند پرسید: مگر همه کارگران کمونیستند که حاضر به اتحاد در جنبش لغو کار مزدی شوند؟ اکثریت غالب کارگران فقط خواسته های معین صنفی دارند و فقط برای بهبود معیشت و رفاه خود در همین نظام آماده مبارزه اند و به بیشتر از آن هیچ نظری ندارند!!! فرقه های زائر بتکده های گروهی و حزبی سؤال خواهند نمود که مگر دولت بورژوازی مرده است که فرصت دهد تا توده های کارگر به ایجاد چنین تشکلی دست زنند!!! مگر می شود بدون سرنگونی دولت، بدون برقراری دموکراسی وسیع و تضمین دوام آن، از سازمان دادن کارگران علیه سرمایه داری سخن به میان آورد؟! تازه از همه اینها که بگذریم تکلیف تحزب کارگران چه می شود؟ این کار علیه حزبیت و به همین دلیل سخت محکوم است. عده ای جار و جنجال بر پا خواهند کرد که جنبش کارگران یک جنبش خود به خودی و تردیونیونیستی است. کارگران در برد و وسعت مبارزات خود چیزی از ضدیت با کار مزدی و لغو کار مزدی نمی فهمند این خیالات چیست که به هم می بافید!!!

اینها فقط اعتراضات، فریادها و انتقادات گرایشات مدعی تعلق به جنبش کارگری است که بر سر جنبش لغو کار

مزدی کارگران فرو خواهد آمد. اقدامات دولت بورژوازی و ماشین قهر و سرکوب طبقه سرمایه دار نیاز به گفتن و تشریح ندارد. اما پاسخ همه این حرفها و نقدها و فریادها باز هم بسیار شفاف است. به سندیکالیستها و هواداران مبارزات اتحادیه ای می گوئیم که آری! توده وسیع کارگر برای معیشت و بهبود زندگی و آب و نان و مسکن و تأمین اجتماعی مبارزه می کند اما سرمایه داری تمامی اینها را سفت و سخت از آنان دریغ می دارد. نظام سرمایه داری در جستجوی سود کلان و کلاتر و در پاسخ به ملزومات قوانین بی قید و شرط تداوم انباشت سرمایه، نه فقط خواستههای توده کارگر را نمی پذیرد که اگر اینان پیش از این در نقطه ای از نقاط دنیا، چیزی گرفته اند، هم با زور از آنها باز پس می گیرد. پس همین توده وسیع کارگر برای رسیدن به همین مطالبات اولیه و نازل سوای صف آرائی هر چه نیرومندتر و نیرومندتر در مقابل تمامیت سرمایه داری هیچ راه دیگری در پیش روی ندارد. به سندیکالیستها در تمامی هیأتها و شمایل و آرایش حضورشان می گوئیم که هیچ کارگری عاشق سینه چاک برده مزدی سرمایه بودن یا دلباخته شهادت در راه افزایش هر چه انبوه تر سود سرمایه ها از محل فدا ساختن نان و خانه و مدرسه و بهداشت و سلامتی و تفریح و فراغت خود و زن و فرزندش نیست. هر کارگری وقتی می بیند که سرمایه تمامی محصول رنج و مرارت و کار و تولید او را سرمایه و سود می سازد آماده پیکار با سرمایه داری است و از اینکه جنبش خود را بحق و واقعی جنبش ضد سرمایه داری بنامد هیچ شرم و ابا و استنکافی ندارد. به طیف سندیکالیستها می گوئیم که کمونیسم مشتی باورها و عقاید مکتبی نیست که کارگران با قبول و رد آنها کمونیست و غیرکمونیست یا ضد کمونیست شوند، بالعکس جنبش طبقه کارگر علیه استثمار و ستم و اُس و اساس سرمایه داری است. بسیاری از کارگران کمونیستند بدون اینکه نیازی به اعلام و اظهار قبول آن داشته باشند. از این گذشته هیچ لازم نیست کارگران همه کمونیست باشند تا همدوش سایر همزنجیران طبقه خود در صف مبارزه علیه سرمایه داری و ضد کار مزدی متشکل گردند. کارگر شاید به خدا و پیر و پیمبر باور داشته باشد، اما این خرافه ها چاره درد او نیست و در جدال جاری وی با سرمایه همه جا جانب سرمایه دار را دارند، در حالی که او بعنوان فروشنده نیروی کار برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه انسانی هیچ راهی سوای فشار دادن گلولی سرمایه دار و نظام سرمایه داری ندارد. به همه این دلایل شما لطفاً عوامفریبی نکنید، این شمایان و امثال شمایانند که ضد کار مزدی نبودن و ضد سرمایه داری نبودن را به توده های کارگر تلقین و حقنه می کنید.

در پاسخ فرقه گرایان خواهیم گفت که اگر بناست قدرت سرکوب و ارتش و پلیس و ماشین قهر سرمایه مبنای بود و نبود جنبش کارگران باشد، در جامعه ای مانند ایران یا حتی در هیچ کجای دیگر این دنیا کارگران نباید به هیچ مبارزه و جنگ و ستیزی دست یازیده باشند. تمامی اهمیت مسأله این است که دیکتاتوری، فشار، خفقان و توحش سرمایه داری کارگران را از پیگیری مبارزه و اهداف خود باز نداشته است. توده های کارگر در همه جا در زیر رعد و برق سفاک ترین دیکتاتوریه پیکار کرده اند، بدبختانه، بدبختانه و باز هم بدبختانه آنان قوای طبقاتی خود را در جبهه واقعی و اصلی ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی متمرکز نساخته اند. آنان همه جا با نظام سرمایه داری در حال جدال و جنگ بوده اند اما زیر فشار راه حلهای پوسیده سوسیال بورژوائی نوع شمایان، سندیکالیستها، سوسیال دموکراتها، سوسیال خلیون و همه اقارب سیاسی و طبقاتی شما قادر به تمرکز قوای خود در محور اساسی و سرنوشت ساز جنگ نشده اند. وحشت از پلیس و شکنجه و زندان و تیرباران و حمام خون

مسلماً مانع بزرگی بر سر راه متشکل شدن جنبش ضد کار مزدی کارگران است اما پیکار برای این نوع متشکل شدن باید و می تواند در زیر چتر همین توحش و کشتار سرمایه دنبال گردد. شما می گوئید پس تکلیف تحزب چه می شود؟ در اینجا نیز پاسخ ما بسیار صریح و گویاست. نه تحزب و نه هیچ نوع تشکلی برای ما نقطه شروع یا اصل مقدس و ضریح رستگاری نیست. آنچه برای ما مقدس است انسان، رهائی انسانها از شر استثمار، از شر وجود طبقات، از شر سرمایه داری به مثابه منشأ و بانی و باعث تمامی سیه روزیهای موجود بشر، رهائی انسان از هر گونه قید، از جمله قید کار و آزادی فرجامین آدمی از قید هر چیز سوای خود است. آنچه برای ما تقدس دارد مبارزه برای رسیدن به این هدف است. جنبش ما، جنبش لغو کار مزدی، ظرف پیکار کارگران دنیا برای حصول این دورنماست. این جنبش است که باید متشکل، متحزب یا هر چیز دیگری و با هر اسم و عنوان دیگری بشود. اگر قرار است کار مزدی از بین برود، تنها این جنبش است که ظرفیت محو آن را دارد. حزب ما نمی تواند یک امامزاده بی اعجاز بالای سر ما باشد. این روایت حزب بطور بی کم و کاست روایت بورژوازی از حزب است. وثیقه واقعی و بستر و ظرف و گذرگاه راستین پیکار ما علیه سرمایه داری و ستیز با دولت بورژوازی و جنگ برای لغو کار مزدوری یا استقرار سوسیالیسم فقط و فقط تشکل سراسری ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی ماست.

ما به روشنی روز میدانیم که در تشکل سراسری ضد سرمایه داری توده های کارگر، همگی با نگاه واحدی به اهداف مبارزه، به بدیل طبقاتی پیکار، به روایت سوسیالیسم و به پاره ای مسائل دیگر نگاه نمی کنند. بر همین اساس سخت باور داریم که فعالین راستین جنبش لغو کار مزدی، کمونیستهای واقعی، کمونیستهای مارکسی و کارگر باید در درون این تشکیلات سراسری ضد کار مزدی – تأکید می کنیم، در درون این تشکیلات، در متن و بطن روابط شورائی آن، بدون هیچ نوع سوائی و جدائی با آن – در میان خود روابطی هر چه مستحکم تر، نزدیکتر، آگاهانه تر و اندیشمندانه تر، برقرار کنند. تحزب پرولتاریا روابط تنگاتنگ، ژرف، با بیشترین وحدت و همدلی و همکوشی این پیشروترین فعالین کمونیست در ژرفای تشکیلات سراسری عمیقاً شورائی ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی توده های کارگر خواهد بود. تحزب پرولتاریا تحرک هر چه زنده تر و جامع الاطراف تر، هر چه مصمم تر، همدل تر، همرمز تر، همجوش تر و همپیوندتر این فعالین در اندرون آن تشکل سراسری ضد کار مزدی و برای لغو کار مزدوری خواهد بود. تحزب کارگران دستگاه گردش خون این جنبش شورائی سراسری ضد سرمایه داری و ساختار متحد و متشکل این جنبش خواهد بود. بنا بر این شما بهتر است بس کنید و چماق تکفیر ضد تحزبی بر سر و روی ما فرو نیاورید. ما بطور قطع و یقین با روایت شما از حزب اختلافی ژرف به ژرفی اختلاف با هر روایت بورژوائی تحزب داریم.

ما تمامی این پاسخها را یک به یک تشریح خواهیم کرد، اما خوب می دانیم که مخالفان سکوت نخواهند کرد. آنان و این بار بویژه مخالفان اندرونی یا مدعیان اندرونی جنبش طبقه ما، یکصدا با خشم و با لحنی آکنده از تمسخر خواهند گفت که گیریم همه این حرفها درست!! بسیار خوب درست!! اما مگر سازمان دادن جنبش شورائی ضد سرمایه داری کارگران یا ایجاد تشکل شورائی سراسری ضد کار مزدی توده های کارگر در شرائط کنونی، در دوره ای که نه از اعتلاء انقلابی اثری و نه از قیام برای سرنگونی رژیم خبری است کاری ممکن و مقدور است؟! طبقه کارگری که هنوز چند سندیکا و اتحادیه درست و حسابی ندارد، شما از چه طریقی و به کمک

کدام روابط و امکانات می خواهید تشکیل سراسری کارگران، آن هم شورائی و ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی بر پا کنید؟ در میان حرفها، ایرادات و اعتراضات مخالفان اندرونی یا مدعی اندرونی، این سؤال آخری بسیار واقعی تر و اساسی تر است. باید انصاف داشت و این پرسش را سخت جدی گرفت. اما پاسخ جنبش لغو کار مزدی نیز بسیار بسیار جدی است. فعالین این جنبش جواب خواهند داد که تذکر این امر توضیح واضح است. این کار مسلماً دشوار است زیرا که این کار گذاشتن سنگ بنای واقعی جنبش لغو کار مزدی، سنگ بنای استوار جنبش تغییر عینیت موجود است. این کار در یوزگی قانونیت از نظام کاپیتالیستی نیست. آویختن به حریم مدنیت سرمایه برای گرفتن حق اعتصاب!! یا مبارزه قانونی نیست. گدائی سالهای سال یک «پاتوق چانه چرای مستعمل با نظام سرمایه داری و بستن پل برای عبور از آبروی خویش نیست. اجتماع چند تن در محفل انس و اعلام تحزب!!! نیست. اینجا جبهه واقعی جنگ طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری است. برای هر گام موفقیت در این کار باید مبارزه، مبارزه و باز هم مبارزه کرد. باید بعنوان فعالین مدبر، چاره اندیش، فداکار، دردمند، بعنوان رندان بلاکش و سینه چاک پیکار طبقه کارگر، کارگاه به کارگاه، کارخانه به کارخانه، مزرعه به مزرعه، مدرسه به مدرسه، بیمارستان به بیمارستان، خانه به خانه، کوی به کوی، شهر، به شهر، شب، روز، گاه و بیگاه دنبال سایر فعالین و عناصر دردمند و مبارز جنبش کارگری دوید. باید شناخت دقیق تر، عمیق تر، وسیعتر و جامع تر شرائط کار و زندگی، درک شفاف تر عینیت کاپیتالیستی و وضعیت استثمار و بیحقوقی و ستمکشی توده های طبقه مان در درون این عینیت توحش بار، منشور مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی کارگران را در لابلای این روابط، در گفتگوهای ۲ نفره و ۳ نفره و ۴ نفره، در محافل و در جمعیت های بزرگتر نجوا و باز هم نجوا کرد. باید این نجواها را اندک اندک فریاد کرد. روابط اینگونه ما باید بتواند پایه ها و سلولهای زنده جنبش طبقاتی ضد سرمایه داری را در مراکز کار و تولید جان بخشد. سلولها و بافتهای زنده ارگانیک جنبش ما می توانند و باید فعالترین نقش را در مبارزات روزمره های کارگر بازی کنند. سلولها و فعالان قادرند مبارزات جاری طبقه را بستر توسعه و بالندگی و استحکام و کسب نیروی بیشتر خود قرار دهند و در همان حال برای تضمین پیروزی این مبارزات بر دشمن به اتخاذ تمامی راهکارها و راهبردهای مؤثر اهتمام نمایند. سلولها و محافل خواهند کوشید تا در گذار توسعه خود در متن حضور خلاق و فداکارانه خویش در مبارزات روزمره کارگران، محتوای منشور مطالبات پایه ای طبقه خویش را هر چه وسیعتر به ذهنیت بیدار کارگران تسری دهند و به انتظارات مفروض و محق آنان تبدیل نمایند. روابط، محافل و فعالین به هم پیوسته در این راستا، تلاش خواهند کرد تا سنگ بنای شوراها کارگری مراکز مختلف کار و تولید را بر زمین زندگی و مبارزه کارگران پی افکنند و همزمان همجوشی، همپیوندی و اتحاد درونی این شوراها را در یک شبکه آهنین ارتباطات کارگری بعنوان شالوده تشکیلات سراسری ضد کار مزدی کارگران قوام دهند و مستحکم سازند. در همین جا در عمق همین تلاشها است که کارگران نفت، ذوب آهن، پتروشیمی، صنایع فولاد، لاستیک سازی، صنایع مواد غذایی کشاورزی، راه و ساختمان، آب و برق، وسائل خانگی، نساجی، حمل و نقل و ارتباطات، مدارس، بیمارستانها و رسانه های جمعی حتی پیش از برپائی و معماری و آماده سازی تشکیلات شورائی سراسری ضد سرمایه داری خود دست در دست هم خواهند داشت. کارگر نفت همزنجیران طبقاتی خویش در نساجی را تنها نخواهد گذاشت. کارگر آب و برق به محض اعلام اعتصاب کارگران چوب به یاری آنها خواهند شتافت.

کارگران حوزه کلیدی کار و تولید به سرمایه داران و دولت آنها اخطار خواهند کرد که اعتصاب آنها پشتوانه مطمئن و همه جا حاضر اعتصاب کارگران بخشهای دیگر خواهد بود. در درون این شبکه مرادوات و همیابی ها و همزمی هاست که هر اعتراض، هر خیزش، هر اعتصاب و هر جدال پشت سرمایه را بر زمین خواهد کشید و توده های طبقه کارگر هر جامعه خود را صاحب عظیم ترین نیرو برای تسویه حساب با دشمن طبقاتی و سرانجام نابودی دشمن خواهد یافت.

به دنبال این گفتگوها بگذارید این بار ما از مخالفان، همان مخالفان اندورنی و داعیه دار اندورنی بودن پرسیم آیا فکر می کنید این کارها واقعاً غیرممکن است. پاسخ مثبت به این پرسش فقط پاسخ بورژوازی است. تمامی نوع کارها، مبارزات، خیزشها و جنگ و ستیزهائی که در اینجا اسم بردیم تا جائی که به شکل ، امکان وقوع یا ناممکنی وقوعشان مربوط است همه و همه در تاریخ جنبش کارگری ایران و دنیا به اندازه کافی رخ داده است و طنز تلخ تاریخ اینکه همه آنچه رخ داده تأیید درستی حرف فعالان راستین جنبش ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی و نافی عریان ادعاهای بی اساس سوسیال بورژوائی همه شمایان بوده است.

کارگران اروپا در طول حیات انترناسیونال اول یکی از پرشکوهترین صحنه های همبستگی طبقاتی خویش در مقابل بورژوازی اروپا را بنمایش گذاردند، حمایت سراسر شور و احساس کارگران ممالک مختلف اروپا از همدیگر توانست قدرت متحد توده های کارگر قاره را وثیقه عقب نشینی اضطراری بورژوازی و تن دادن سرمایه داران به پذیرش مطالبات کارگران کند. در قیام تاریخی کموناردهای پارسی ما شاهد بودیم که چگونه فعالین جنبشهای کارگری سایر مناطق اروپا حتی بدون هیچ سازماندهی وسیع سراسری، حتی در وضعیت کم و بیش منفعل انترناسیونال اول، پشت همزنجیران طبقاتی شان در فرانسه را خالی نگذاشتند. کارگران روسیه با انقلاب اکتبر برای چند روزی دنیا را بر سر بورژوازی جهانی خراب کردند. جنبشهای عظیم کارگری فرانسه و آلمان و انگلیس و ایتالیا و اسپانیا و سایر کشورهای اروپائی در دوره های معینی از تاریخ، ارکان حیات بورژوازی را به لرزه در آوردند. جنبشهای کارگری امریکای لاتین و آسیا در وقوع انقلابات متعدد یا سقوط و عروج دولتها بزرگترین سهم را ایفاء کردند. طبقه کارگر ایران دولت بورژوازی شاه را سرنگون کرد و در یک کلام تاریخ ۲۰۰ سال اخیر دنیا همه جا عرصه حضور و اعتراض و جنگ و ستیز توده های کارگر بوده است. طبقه ما در سطح بین المللی به لحاظ مبارزه، قیام، انقلاب، سرنگون کردن دولتها هیچ کاستی نداشته است. اساساً همه جا دست اندرکار این پیکارها بوده است. آنچه غالباً انجام نداده است تمرکز قوای طبقاتی خود در محور جنگ واقعی علیه اساس کار مزدی و صف آرائی نیروی خویش در جبهه مبارزه برای لغو کار مزدوری بوده است. این تنها و تنها پاشنه آشیل جنبش ما و رمز و راز کلیه شکستهای تاریخی ما از نظام ددمنش سرمایه داری بوده و هست. در همین جاست که ما سهمگین ترین و مرگ آورترین ضربات را از دشمن بورژوازی تحمل کرده ایم و از انظار جهانیان چه پنهان که راه حلهای شمایان، شما سندیکالیستها و سندیکاپرستان، شما سکت آفرینان و پرستندگان بتهای فرقه ای، شما ناسیونالیستهای با بیرق دروغین کارگر و کمونیسم، شما، سوسیال خلقیون و سوسیال دموکراتها و بطور خلاصه سوسیال بورژواها در تحمیل این شکستها بر ما و در همدلی با بورژوازی علیه ما بیشترین و مؤثرین سهم را داشته اید. شما در ویران ساختن انترناسیونال ما و بنیاد بین الملل سوسیال دموکراتیک بر ویرانه های آن، در شکست انقلاب اکتبر و ره بردن طبقه ما به برهوت استعمار و شرارت و سبعت سرمایه داری دولتی، در شکست

جنبش های عظیم همزنجیران ما در قاره اروپا، در کور کردن و تیره ساختن افق پیکار طبقاتی مان در انقلاب ۵۷ ایران یا همه انقلابات درون سه قاره آسیا، امریکای لاتین و افریقا در قرن بیستم، همه جا به سود سرمایه و به زیان جنبش لغو کار مزدی ما قدم برداشتید. انصاف می دهیم و قویاً اعتراف می کنیم که در غالب اوقات هدف خدمت و کمک بوده است، اما این را نیز فراموش ننمائیم که حتی راه رفتن به جهنم با نیت حسنه فرش شده است. از این مهمتر وقتی که از شما و شمایان حزف می زنیم با اجنبی صحبت نمی کنیم. فعالین اندورنی جنبش طبقه ما در سرتاسر دنیا در تمامی توهم بافیها، گمراه سازیها و کژراهه پردازیهای شما شریک و سخت شریک بوده اند. همگی با هم وضعیت دردناک و اسفبار کنونی را بر سرنوشت کار و زندگی و پیکار توده های طبقه مان تحمیل نموده ایم.

حاشیه نرویم. این را می گفتیم که طبقه ما در وسعت جهان و تاریخ سده های اخیر اصلاً کمبود مبارزه و انقلاب نداشته است. معضل همه جا اسارت مان و مسخ و تباه شدن نیروی جنگی مان در چنبره راه حلهای بورژوائی بوده است. پس ما با خروج از این راه حلهای، با کشیدن قوای واقعی پیکار به جبهه راستین ستیز با سرمایه، با انتقال تمامی ظرفیت تعرض و حمله، به محور اساسی جنگ با کار مزدبگیری می توانیم به پیشبرد مبارزه طبقاتی و حصول اهداف سوسیالیستی مان سخت امیدوار باشیم. مقدم بر هر چیز ما می توانیم تشکل سراسری شورائی ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی را بنیاد گذاریم و توسعه دهیم.

باز هم توضیح و اوضاحت است که ما در لحظه به لحظه این تلاش و ستیز کاری ترین ضربات را در وهه اول از دولت بورژوازی، از طبقه بورژوازی و سپس از راه حلهای سندیکالیستی، فرقه گرایانه و مشابه اینها بر گرده جنبش مان لمس خواهیم کرد، اما وقتی که ما درست در جبهه واقعی جنگ طبقاتی با دشمن مشغول کارزاریم درست در همین جبهه نیز آثار ضربه ها را ترمیم، شکستها را آنالیز و پلکان پیروزیهای بعدی قرار خواهیم داد، ضعفها را تقلیل و کسر و کمبودها را برطرف خواهیم نمود. در بطن همین کارزار دانش طبقاتی خویش را عمق می دهیم، بدیل طبقاتی خود در مقابل عینیت موجود کاپیتالیستی را هر چه ژرف تر و ژرف تر کندوکاو و تکمیل می کنیم. آموزشهای مارکس را سلاح مادی پیکار می کنیم، افکار زشت بورژوائی راه یافته در شیارهای مغزمان را از بن بر می کنیم، راهکارها و راهبردهای ریشه دار کاپیتالیستی را از قلمرو نگاه و دریافت فکری خود پاک می سازیم. نظر و عمل، ایده و واقعیت و تئوری و پراتیک را از هر گونه ثنویت و دوگانگی و انفصال رها می سازیم و در پراکسیس شفاف انقلابی و کمونیستی صیقل می دهیم. در متن همین جدال واقعی تعیین سرنوشت با گرایشات متجانس طبقاتی درون جنبش مان به بحث و گفتگو می نشینیم، سندیکالیسم را به جدال می کشیم و در صورت لجاج از ساحت مبارزاتمان طرد می کنیم. فرقه گرایان را به شکستن بتهای سکتی خود دعوت می نمائیم و در صورت امتناع از پذیرش، آنها را در کار و کاسبی سکتی خودشان رها می سازیم. در همین جا در متن همین کارزار سترگ طبقاتی ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی همه این امور را یکجا به هم پیوند می زنیم و تاریخ پرشوری از مبارزه، تاریخی از پیکار واقعی کارگری و مارکسی علیه سرمایه داری را در زندگانی طبقه خود به پیش می بریم.

جنبش ما و تشکل شورائی مبارزه لغو کار مزدی، در نخستین گام برای تحقق هر چه فوری تر و جامعتر منشور حقوق پایه ای توده های کارگر پیکار خواهد کرد. منشور ما مانیفست جنگ در کلیه قلمروهای زیست اجتماعی

طبقه کارگر علیه سرمایه داری خواهد بود. یک جبهه سراسری به وسعت کل مبارزه طبقاتی علیه سرمایه که در قدم به قدم و گوشه گوشه آن سنگرها افزاشته است. در اینجا در درون این جبهه سرتاسری، سنگر نبرد زنان علیه هر نوع نابرابری و ستمکشی جنسی و مردسالاری و بیحقوقی اجتماعی اصلاً از سایر سنگرها منفصل و مجزا نیست. ریشه کلیه بیحقوقیها در عمق رسوبات متراکم پر از تعفن سرمایه داری نهفته است و جنگها همه علیه سرمایه است. اگر انسانها از شر رابطه خرید و فروش نیروی کار از شر کالا بودن نیروی کار خویش، از مخمصه اجبار به کار برای معیشت و از شرط کار برای داشتن زندگی و رفاه اجتماعی آزاد گردند هیچ مشکلی در زندگی بشر باقی نخواهد ماند. نابرابری زن و مرد نابرابری بهای نیروی کار وی بعنوان کالا، نابرابری نقش در کار و تولید کاپیتالیستی، نابرابری مکان در برنامه ریزی کار و تولید و زندگی اجتماعی توسط سرمایه است، جنبش شورائی ضد سرمایه داری جنبشی علیه همه این نابرابریهاست. در اینجا ما علیه آلودگی محیط زیست، علیه کار کودک، علیه مردسالاری و بیحقوقی زنان، علیه خفقان و دیکتاتوری، علیه تعصبات قومی و خرافه بافیهای دینی، علیه بیکاری و هر جنایت دیگر سرمایه همانگونه مبارزه می کنیم که برای تحمیل سطح هر چه بالاتری از معیشت و رفاه اجتماعی به سرمایه داران و نظام سرمایه داری پیکار می نمایم، مبارزه ما در همه این میادین و سنگرها مبارزه ای علیه کار مزدوری و با هدف محو کار مزدبگیری است.

جنبش ما این چنین، با دورنمای محو سرمایه داری، با تلاش برای متحد نمودن گام به گام خود، با جنب و جوش و شور و هیجان و فداکاری بی دریغ فعالینش برای ایجاد فاز به فاز تشکل شورائی و سراسری ضد کار مزدی راه خود را از فراز و فرودها و پیچ و خمهای دشوار عرصه کارزار طبقاتی به جلو باز خواهد کرد. ما در این گذر شکستها تحمل خواهیم نمود، عقب نشینها خواهیم کرد، پیروزیها خواهیم داشت و پیشرویها خواهیم نمود. در سرتاسر این محور طولانی پیکار قدم به قدم و لحظه به لحظه با دولت بورژوازی، با زرادخانه های نظامی اش، با ماشین قهر و سرکوب و کشتارش، با تمامی دیسیسه ها و توطئه ها و برنامه ریزیهای جورواجور نمایندگان فکری و سیاسی و فرهنگی اش، با راه حلها و راهبردهای گوناگون گرایشات مختلف بورژوازی روبرو خواهیم شد و به مصاف خواهیم ایستاد. جنگ ما با رژیم سیاسی در همین بستر به پیش خواهد تاخت و این یکی از اختلافات مهم جنبش ما با هر جنبش رفرمیستی میلیتانت یا مسالمت آمیز درون و بیرون جامعه و حیات اجتماعی طبقه کارگر است. ما از سنگر خروشان ضد سرمایه داری به سوی دولت بورژوازی شلیک خواهیم کرد، جنبش ما اصلاً به بی راهه ها و کژراهه های دموکراسی خواهی خارج از مدار مستقیم پیکار علیه سرمایه در نخواهد غلطید. آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی در دیدگاه جنبش ما خاکریزهای پیوسته مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه سرمایه اند، آزادی برای ما یعنی آزادی در تعیین سرنوشت محصول کار، یعنی حق آزادانه هر شهروند برای دخالت مستقیم، مؤثر و نافذ در برنامه ریزی کار و تولید و زندگی اجتماعی، یعنی آزادی از شرط و قید کار، یعنی آزاد شدن از وجود منحوس دولت بختک وار بالای سر شهروندان، آزادی در واژه نامه جنبش ضد سرمایه داری ما اینهاست و به همین دلیل جنگ ما برای آزادیهای سیاسی هیچ جدا از محور اساسی پیکار علیه کار مزدی نیست. حقوق مدنی در فرهنگ جنبش ما یعنی سپردن مدنیت، قانونیت، قراردادسالاری و نظم مدنی سرمایه به بایگانی تاریخ و ایجاد مدنیت و قانونیتی نوین که بر پایه آن بالندگی و رشد آزاد هر کس شرط رشد آزاد همگان باشد. مبارزه ما برای حصول این حقوق و آزادیها جزء تفکیک ناپذیر و لایتجزائی از

جنبش سراسری ما علیه کار مزدی و برای لغو کار مزدبگیری است. درست بر همین پایه، جنگ ما با دیکتاتوری و دولت دیکتاتور، با خفقان، با نبود آزادیها و حقوق اجتماعی همه و همه اجزاء گسست ناپذیر ستیز ضد کاپیتالیستی هستند

منشور حقوق پایه ای جنبش ضد سرمایه داری طبقه ما مانیفستی اولیه، متناظر با میزان تمرکز قوای جنگی ما در برابر بورژوازی برای تحمیل کلیه این مطالبات و همه مطالبات پیش گفته بر نظام سرمایه داری است. نهایت پیکار ما محو فرجامین و بنیادین کار مزدی و استقرار مدنیت کمونیستی است. اما ما در هر گام از این مبارزه متناسب با آرایش قوای طبقاتی و میزان آمادگی و تدارک جنگی مان می توانیم بورژوازی را وادار به قبول خواستههایمان سازیم. در فراز و نشیب این کارزار طولانی تاریخی چه بسا ما نه فقط یکبار بلکه حتی چند بار دولت بورژوازی را از اریکه قدرت به زیر کشیم، با این حال موفق به برقراری سازمان شورائی کار و مدنیت کمونیستی خود نشویم، چه بسا تا مدتها حتی قادر به تحمیل سطح بالای معیشت، بهداشت، مسکن، آب و برق و آموزش و مهدکودک و مراقبت از سالمندان و سایر امکانات رفاهی رایگان نگردیم، اما ما در وجه به وجب جبهه جنگ خود متناسب با توان رزمی و میزان نیروئی که به میدان می کشیم بورژوازی را به عقب نشینی و به قبول مطالبات خود مجبور می سازیم.

اینکه پیشروی های ما و پسگردهای بورژوازی بطور فاز به فاز، به دنبال خیزشها و قیام های مقطعی یا بصورت سراسری یا هر شکل دیگر اتفاق افتد موضوع اندیشه و تدبیر و تحلیل و اتخاذ تصمیم و برد و ظرفیت و عمق مبارزه توده های وسیع طبقه ما در تشکل شورائی ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی است. ما هر گاه و در هر شرائطی که قادر باشیم همسان رفقای همزنجیر آرژانتینی خویش از مصادره کارخانه ها و برنامه ریزی کار و تولید آنها توسط شوراهای خویش، استقبال خواهیم کرد. به محض اینکه بتوانیم بخشهای اساسی کار و تولید را یکجا متوقف خواهیم ساخت و در قبال آن وسیعترین پسگردها را به نظام سرمایه داری تحمیل خواهیم نمود. نفت و برق و ذوب آهن و شریان اصلی حیات سرمایه را قطع خواهیم کرد و از این طریق فشار طبقه خود بر کل برنامه ریزی کار و تولید کاپیتالیستی را عمق خواهیم داد. در هر لحظه و هر موقعیتی که بتوانیم کل پروسه تولید و بازتولید سرمایه را مختل خواهیم ساخت و با تکیه بر نیروی عظیم طبقاتی مان سقوط دولت بورژوازی و سرنگونی کل سرمایه داری را تسریع خواهیم نمود.

جنبش ما در امتداد همین محور نبرد، در پی سازمان دادن اعتصابات عظیم بی شمار، به دنبال خیزشهای مکرر و افت و خیزهای گوناگون، به دنبال تعرضات فراوان و عقب نشینی های اضطراری و سنجیده، در پیامد تحمل شکستها و ترمیم ضایعات جنگ، در مقطعی از پیشروی و بالندگی و تدارک نیرو و توازن قوا و قدرت بسیج، ماشین قهر و کل دولت بورژوازی را به زیر خواهد کشید. ما بر بورژوازی پیروز خواهیم شد و تشکل شورائی سراسری ضد سرمایه داری ما که در طول سالهای نبرد، عظیم ترین کوله بار تجربه، آموزش و آمادگی برای لغو کار مزدی را کسب کرده است، بعنوان سازمان شورائی کار و مدنیت سوسیالیستی وظیفه برنامه ریزی کار و تولید و نظم زندگی اجتماعی را بعهده خواهد گرفت. ما با تمام قوا برای برچیدن بساط بردگی مزدی، برای محو دولت، محو طبقات و جامعه طبقاتی دست بکار خواهیم گردید

جنبش لغو کار مزدی جنبشی انترناسیونالیستی، جنبش همه کارگران جهان علیه سرمایه جهانی و علیه اساس

رابطه خرید و فروش نیروی کار و تولید اضافه ارزش در سرتاسر دنیاست. ما در وجه به وجه مبارزات خویش، در هر لحظه و هر دوره و هر پله از این مبارزات خواهیم کوشید تا دست همزنجیران طبقاتی خویش در شش گوشه جهان موجود و در اقصی نقاط دوزخ سرمایه داری را هر چه گرمتر و محکمتر بفشاریم. ما با ذره ذره فکر و زبان و قلم و قدم و اندیشه و عمل خود تلاش خواهیم نمود تا نیروی جنبش خویش را پشت سر هر اعتصاب، هر خیزش، هر اعتراض و هر جدال ضد سرمایه داری کارگران در هر نقطه ای از جهان بسیج کرده و وارد میدان سازیم. در همان حال از کارگران هر جامعه و هر گوشه دنیا خواهیم خواست تا هر اعتصاب و اعتراض و تقاضای ما را مورد حمایت جدی قرار دهند. ما از همه کارگران جهان تقاضا خواهیم نمود تا کل نیروی پیکار طبقاتی بین المللی مان را یکجا در تیر کرده و به قلب نظام سرمایه داری شلیک کنیم.

جنبش انترناسیونالیستی طبقه کارگر از همان نقطه شروع خود مطالبات مشترکی برای همه کارگران دنیا دارد. منشور حقوق پایه ای ما منشور مطالبات مشترک کارگران در کل کره زمین و کل جهان کاپیتالیستی است. تأمین و تضمین قطعی یک سطح معیشت متناظر با سهم سرانه انسانها از محصول کار و تولید اجتماعی دنیا، مسکن رایگان، آب و برق رایگان، ایاب و ذهاب مجانی، بهداشت و دارو و درمان رایگان، آموزش رایگان، مراقبت رایگان از پیران و معلولان، مهد کودک رایگان، لغو کامل کار کودکان و رفع هر گونه نابرابری جنسی و قومی و نژادی و مانند اینها مطالبات اولیه همه کارگران دنیاست. جنبش انترناسیونالیستی ما با همه توان سعی خواهد کرد که این خواسته ها و انتظارات نازل ابتدائی را برای همه کارگران، برای توده کارگر افریقا، آسیا، امریکای لاتین و شهروندان تمامی جوامع بر سرمایه جهانی تحمیل نماید.

جنبش طبقاتی و انترناسیونالیستی ما مبارزه علیه هر گونه جنگ و جنگ افروزی سرمایه جهانی، مبارزه علیه تهاجمات و تجاوزات توحش بار سرمایه به مناطقی چون فلسطین، افغانستان، عراق، بالکان، افریقا و مبارزه علیه کلیه اشکال جنایت و سبعت و انسان ستیزی سرمایه داری در سطح جهانی را حلقه های متصل زنجیره سراسری پیکار خود تلقی می کند. جنگها عرصه بربرمنشی سرمایه علیه توده های طبقه ما و جزء معینی از راهکارهای سرمایه برای تحمیل ماندگاری بردگی مزدی بر کارگران است. این جنبش انترناسیونالیستی ماست که می تواند در یک اقدام متحد و هماهنگ با مختل نمودن نظم تولیدی و اجتماعی سرمایه داری در سطح جهانی، دولتهای قدره بند و مطلق العنان سرمایه داری را از دمیدن در تنور جنگ باز دارد. در فلسطین، در عراق، در افغانستان، در منطقه بالکان و در همه جاهای دیگر این توده های همزنجیر طبقاتی ما و زندگی آنهاست که توسط ارتشهای فاشیست و زرادخانه های نظامی سرمایه نابود کشتار و بمباران می گردد. مقابله با این بربرمنشی ها وظیفه مفروض و بلاتردید جنبش انترناسیونالیستی ماست. این جنبش بین المللی ضد سرمایه داری ماست که باید به یاری کارگر فلسطینی عراقی، افغانی، بالکانی و افریقائی بشتابد. جهان موجود در بند بند حیانتش عرصه ستیز مستمر ما علیه سرمایه است. ما فاتحین راستین این جنگ سترگ طبقاتی و تاریخی خواهیم بود.